

بسم الله الرحمن الرحيم

تقریر درس شرح کتاب الحجه اصول کافی

آیه الله سید محمد مهدی میر باقری

جلسه شماره ۵۹ به تاریخ ۱۴۰۰/۸/۸

بررسی عامل ثبوتی تفاضل و درجات انبیاء و رسل - ملاک ایمان و سبقت ایمانی و عقلانیت در تفاضل

تفاوت انبیاء و رسل در ماموریت و کیفیت تلقی وحی

بحث در بررسی صحیح هاشم بن سالم بود^۱ و در این روایت مهم در بحث طبقات الانبیاء، چند بحث را اشاره کردیم. یک نکته این بود که در این روایت اختلاف در ماموریت انبیاء اشاره شده است که بعضی ماموریت اجتماعی ندارند «لَا يَعْدُو غَيْرَهَا»؛ برخی ماموریت دارند ولی مبعوث نیستند و ایجاد تفرقه و تفکیک اجتماعی نمی کنند «لَمْ يُبْعَثْ إِلَى أَحَدٍ»؛ دسته سوم رسولان هستند که ماموریت اجتماعی در تمیز و تفکیک و امت توحیدی دارند «قَدْ أُرْسِلَ إِلَى طَائِفَةٍ قُلُوبًا أَوْ كُتُوبًا»؛ و دسته چهارم هم امامان هستند که انبیاء و رسل دیگر ذیل آنها هستند که در این روایت به انبیاء اولوالعزم مثال زده است.

نکته دیگر این بود که نحوه تلقی وحی در انبیاء با هم فرق می کند. دسته اول این بود «مُنبَأٌ فِي نَفْسِهِ» که بعید نیست بگوئیم رویت و سمع ملک وحی ندارند ولو در منام و خواب. دسته دوم و سوم این فرق را دارند که انبیاء در منام وحی را از ملک تلقی می کنند ولی رسولان در بیداری هم معاینه با ملک وحی دارند. دسته چهارم که امامان هستند هم ظاهراً از همان جنس رسل تلقی می کنند. هرچند ممکن است که درجات این وحی ها متفاوت هم باشد که بعد عرض خواهیم کرد.

تحلیل ثبوتی تفاضل انبیاء و رسل

اما سوال مهمی که مطرح است اینکه این درجات انبیاء به چه نکته ای برگشت می کند؟ روشن است که این تفاوت ها در تلقی وحی و ماموریت به یک امور باطنی و ثبوتی برگشت می کند و این سبب ثقل ماموریت و شکل تلقی وحی خواهد شد. در واقع علت اینکه یک نبی مرسل شده است و دیگری مرسل نیست و فقط نبوت داشته است، ریشه در این امور دارد که باید بررسی کنیم.

^۱ - الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص: ۱۷۴

در روایات از امور مختلفی در تفاضل انبیاء بحث شده است. یکی از موارد تفاوت و درجات عقل انبیاء است. مورد دیگر تفاوت در درجات ایمان آنهاست. مورد دیگری که در روایات بیان شده است درجات سبقت در دنیای آنهاست. در بعض روایات هم درجات سبقت آنها در عهد توحید و ولایت در عوالم دیگر بیان شده است؛ اینها را باید بحث کنیم و در کنار هم جمع بندی داشته باشیم. ابتدا به بررسی روایات می پردازیم.

روایت ابوعمرو زبیری در تفاضل ایمانی

روایت اول در تفسیر عیاشی نقل شده است که فرموده: «تفسیر العیاشی عَنْ أَبِي عَمْرِو الزُّبَيْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: بِالزِّيَادَةِ فِي الْإِيمَانِ تَفَاضُلُ الْمُؤْمِنُونَ بِالدرَجَاتِ عِنْدَ اللَّهِ قُلْتُ وَ إِنَّ لِلْإِيمَانِ درَجَاتٍ وَ مَنَازِلَ يَتَفَاضَلُ بِهَا الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ اللَّهِ فَقَالَ نَعَمْ قُلْتُ صِفْ لِي ذَلِكَ رَحِمَكَ اللَّهُ حَتَّى أَفْهَمَهُ قَالَ مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ أَوْلِيَاءَهُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فَقَالَ تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَ رَفَعَ بَعْضُهُمْ درَجَاتٍ الْآيَةِ وَ قَالَ وَ لَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ وَ قَالَ أَنْظِرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ لِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ درَجَاتٍ وَ قَالَ هُمْ درَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ فَهَذَا ذِكْرُ درَجَاتِ الْإِيمَانِ وَ مَنَازِلِهِ عِنْدَ اللَّهِ»^۲

در این روایت یک قاعده مهم بیان کرده است که تفاضل بین مومنین به درجات ایمان آنهاست. بعد حضرت آیات متعددی از قرآن کریم را در این بحث اشاره می کنند که همه این آیات بحث تفاضل ایمانی را به نحوی مطرح کرده است. و نکته مهم این است که این آیات در مورد درجات انبیاء است. این نشان می دهد که درجات انبیاء و رسل هم همان درجات مومنین است. نیز بیان شده است «لِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ درَجَاتٍ» که این درجات ایمانی، درجات روز قیامت مومنین و انبیاء را تعیین خواهد کرد. نیز در آیه شریفه فرمود «هُمْ درَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ» که درجات ایمان انبیاء و رسل و مومنین درجات سیر دیگران هم خواهد شد.

معتبره ابوعمرو در کافی شریف و بحث سبقت ایمانی

همین روایت بطور مفصل در کافی شریف نقل شده است که در کافی سند هم برایش ذکر شده است. فرموده: «عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ بُرَيْدٍ عَنْ أَبِي عَمْرِو الزُّبَيْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِنَّ لِلْإِيمَانِ درَجَاتٍ وَ مَنَازِلَ يَتَفَاضَلُ الْمُؤْمِنُونَ فِيهَا عِنْدَ اللَّهِ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ صِفْ لِي رَحِمَكَ اللَّهُ حَتَّى أَفْهَمَهُ»^۳ صدر این روایت شبیه نقل عیاشی

^۲ - تفسیر العیاشی، ج ۱، ص: ۱۳۵. مراجعه کنید به آیات مربوطه؛ سور مبارکات بقره آیه ۲۵۳؛ اسراء آیه ۲۱ و ۵۵؛ آل عمران آیه ۱۶۳.

^۳ - الکافی ج: ۲ ص: ۴۰. این روایت در سندش مشکلی نیست. الا اینکه ابوعمرو زبیری مجهول است. لکن طبق مبنای استاد این روایت چون ضعف خاصی ندارد معتبره است بخاطر اینکه در کافی شریف نقل شده است که ایشان شهادت داده است که آثار صحیحه را نقل کرده است. در ضمن محتوای حدیث هم در مجموع روایات موجود است. عیاشی هم همین روایت را با اختصار نقل کرده است. لذا روایت از اعتبار لازم برخوردار است.

است و سوال از درجات ایمان کرده است. البته سوال از درجات ایمان مومنین است ولی از ادامه باز روشن می شود که تفاضل درجات ایمانی در انبیاء سبب تفاوت آنهاست.

اما در این روایت یک شکل دیگری از تفاوت در درجات بیان شده است. فرموده: «قَالَ إِنَّ اللَّهَ سَبَقَ بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ كَمَا يُسَبِّقُ بَيْنَ الْخَيْلِ يَوْمَ الرَّهَانِ ثُمَّ فَضَّلَهُمْ عَلَى دَرَجَاتِهِمْ فِي السَّبْقِ إِلَيْهِ فَجَعَلَ كُلَّ امْرِئٍ مِنْهُمْ عَلَى دَرَجَةٍ سَبَقَهُ لَا يَنْقُصُهُ فِيهَا مِنْ حَقِّهِ وَلَا يَتَقَدَّمُ مَسْبُوقٌ سَابِقاً وَلَا مَفْضُولٌ فَاضِلاً تَفَاضَلَ بِذَلِكَ أَوَائِلُ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَوَاخِرُهَا وَ لَوْ لَمْ يَكُنْ لِلْسَّابِقِ إِلَى الْإِيمَانِ فَضْلٌ عَلَى الْمَسْبُوقِ إِذَا لَلْحَقِّ آخِرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَوَّلُهَا نَعَمْ وَ لَتَقَدَّمُوهُمْ إِذَا لَمْ يَكُنْ لِمَنْ سَبَقَ إِلَى الْإِيمَانِ الْفَضْلُ عَلَى مَنْ أَطْأَ عَنْهُ وَ لَكِنْ بِدَرَجَاتِ الْإِيمَانِ قَدَّمَ اللَّهُ السَّابِقِينَ وَ بِالْإِطْأَةِ عَنِ الْإِيمَانِ آخَرَ اللَّهُ الْمُقَصِّرِينَ لِأَنَّا نَجِدُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الْآخِرِينَ مَنْ هُوَ أَكْثَرُ عَمَلًا مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ أَكْثَرُهُمْ صَلَاةً وَ صَوْمًا وَ حَجًّا وَ زَكَاةً وَ جِهَادًا وَ إِنْفَاقًا وَ لَوْ لَمْ يَكُنْ سَوَابِقُ يُفْضَلُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا عِنْدَ اللَّهِ لَكَانَ الْآخِرُونَ بِكَثْرَةِ الْعَمَلِ مُقَدَّمِينَ عَلَى الْأَوَّلِينَ وَ لَكِنْ أَبِي اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُدْرِكَ آخِرُ دَرَجَاتِ الْإِيمَانِ أَوَّلُهَا وَ يُقَدَّمَ فِيهَا مَنْ آخَرَ اللَّهُ أَوْ يُؤَخَّرَ فِيهَا مَنْ قَدَّمَ اللَّهُ»

در این تعبیر حضرت درجات ایمانی افراد را به یک نکته دیگر توضیح می دهند و آن بحث «سبقت ایمانی» است. یعنی تفاضل بر اساس ایمان است ولی درجات ایمان هم به بحث سبقت ایمانی گره خورده است. حضرت در روایت فرمودند خداوند در میدان ایمان مسابقه ای برپا کرده است همانطور که بین اسب ها یک مسابقه شکل می گیرد. در این سبقت به سمت خداوند متعال است که درجات ایمان رقم می خورد. به درجه سبقت انسان است که انسان در نزد خدا درجه پیدا می کند. و خدا کسی که سبقت در ایمان داشته است، حقش را مقدم بر دیگران خواهد داشت.

بعد نکته مهمی در این روایت بیان می شود که همین نکته در سبقت در اسلام افراد در صدر اسلام بود. کسانی که زودتر این لبیک و دعوت حضرت را لبیک گفتند، با کسانی که بعداً در بستر وسعت و قدرت اسلام، ایمان آوردند یکی نیستند. هیچ وقت این افرادی که «ابطاء» و کندی در ایمان داشتند، با کسانی که سبقت گرفته اند یکسان نیستند. این سبقت در پذیرش دعوت حضرت است که درجات ایمان را رقم زده است. «بِدَرَجَاتِ الْإِيمَانِ قَدَّمَ اللَّهُ السَّابِقِينَ» یعنی علت تقدیم سابقین همین درجه ایمانی آنهاست. و کسانی که کندی و تقصیر کردند و دیرتر ایمان آوردند، خدا آنها را موخر داشته است.

در ادامه حضرت می گویند معیار اصلی ایمان همین سبقت است نه کثرت عمل و عبادت. «لِأَنَّا نَجِدُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الْآخِرِينَ مَنْ هُوَ أَكْثَرُ عَمَلًا مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ أَكْثَرُهُمْ صَلَاةً وَ صَوْمًا وَ حَجًّا وَ زَكَاةً وَ جِهَادًا وَ إِنْفَاقًا وَ لَوْ لَمْ يَكُنْ سَوَابِقُ يُفْضَلُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا عِنْدَ اللَّهِ لَكَانَ الْآخِرُونَ بِكَثْرَةِ الْعَمَلِ مُقَدَّمِينَ عَلَى الْأَوَّلِينَ» یعنی هستند کسانی که تقصیر و کندی

داشتند ولی بعداً عمل کثیر برای خود ایجاد می کنند. ولی این جای تقدم و سبقت ایمانی را نمی گیرد. ماهیت اصلی ایمان انسان را همین سبقت در ایمان او مشخص می کند نه کثرت عمل او. البته سبقت و درجات ایمان نسبتی با عمل انسان هم دارد ولی لزوماً همان کثرت عمل نیست. این بحث مهمی است که در جای خود باید دنبال شود که اهمیت این سبقت ایمانی به چیست و چرا اصل ایمان انسان با بحث سبقت معنا می شود.

البته ظاهر این روایت یک سبقت زمانی مطلق است که هرکسی بعداً ایمان آورده است، درجات ایمانش پایین تر است. این نکته دو سوال ایجاد می کند. سوال اول این است که سبقت در این عالم همیشه در فرصت برابر نبوده است و بعضی دیرتر با دعوت مواجه شدند. این شکل از سبقت برای سابق که فضیلت نیست. به این سوال جواب داده می شود که ما یک بحث دیگری در روایات داریم که سبقت در عوالم قبل بوده است. آن سبقت سبب می شود که در این عالم هم سبقتی ایجاد شود. همان سبقت است که اینجا فرصت ایمان و... را متفاوت می کند. لذا ممکن است با سبقت در عوالم قبل این سوال جواب داده شود. و باید توجه شود که سبقت در عوالم قبل هم خود بحث مهمی است که در جای خود باید بحث شود.

ولی سوال دومی که مطرح است اینکه روشن است که هرکسی که دیرتر مسلمان یا مومن شده است این فرد درجه ایمانش پایین تر نیست. ما افرادی را داریم که درجه بالاتری از ایمان داشتند که در سال ها بلکه قرن ها بعد از دعوت اسلام آمده اند و اینها حتماً درجه بالاتری از بعض قبلی ها داشتند. لذا بنظر ما این روایت را باید با دقت خاصی معنا کرد. یعنی در عین اینکه سبقت زمانی اهمیت دارد ولی یک قاعده مطلق نیست. یک ارتباطی بین سبقت در عوالم قبل و سبقت در این عالم هست ولی این یک جریان خطی زمانی ساده نیست.^۴

خلاصه در این روایت تفاوت و درجات ایمان انبیاء را به سبقت در مسیر توحید و اخلاص و مجاهدت در راه خدا و ولایت حضرات معصومین معنا می کنند که عرض کردیم ریشه ای در سبقت عوالم قبل آنها هم داشته و باید اینها در کنار هم دیده شود. لذا در ادامه روایت حضرت به آیاتی اشاره می کنند که بحث سبقت در این عالم را بیان کرده است.

^۴ - استاد می فرمودند مثلاً یک دعوتی در عوالم قبل بوده است از جانب سیدالشهداء که عده ای در آن سبقت ورزیده اند و همان ها بودند که در روز عاشورا خود را به امام رساندند. بحث دعوت هایی که در عوالم قبل بوده است و فرصت سبقتی که فراهم شده است بحثی است که در روایات مفصل آمده است. سابق در اصل دعوت توحید، نبی اکرم بوده است و در رتبه بعد حضرات معصومین. و آنکه سبقت داشته است ولایت او در عهد بقیه اخذ می شده است. لذا عهد بقیه همراه با ولایت نبی اکرم بوده است. در خطبه معروف امام حسن در مقابل معاویه در کوفه حضرت وقتی امیرالمومنین را تعریف می کنند فرمودند: «أَبِي أَسْبَقُ السَّابِقِينَ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ وَأَقْرَبُ الْآفَرِيقِينَ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ» اما در رتبه بعد انبیاء اولوالعزم می باشند که بزرگترین شیعیان نبی اکرم و اهل بیت هستند. و بعد مومنین ممتحن و... که این بحث را قدری در مسئله عهد و تعریف اولوالعزم دنبال می کنیم.

فرموده: «قُلْتُ أَخْبِرْنِي عَمَّا نَدَبَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ إِلَيْهِ مِنَ الْإِيمَانِ فَقَالَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَقَالَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ وَقَالَ السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ فَبَدَأَ بِالْمُهَاجِرِينَ الْأَوَّلِينَ عَلَى دَرَجَةٍ سَبَقَهُمْ ثُمَّ تَنَّى بِالْأَنْصَارِ ثُمَّ تَلَّتْ بِالتَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ فَوَضَعَ كُلَّ قَوْمٍ عَلَى قَدَرِ دَرَجَاتِهِمْ وَمَنَازِلِهِمْ عِنْدَهُ ثُمَّ ذَكَرَ مَا فَضَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ أَوْلِيَاءَهُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فَقَالَ تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ وَقَالَ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ وَقَالَ انْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَلِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَ أَكْبَرُ تَفْضِيلًا وَقَالَ هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَقَالَ وَ يُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَقَالَ وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَ مَغْفِرَةً وَ رَحْمَةً وَقَالَ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَ قَاتَلَ أُولَئِكَ أَكْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِ وَ قَاتَلُوا وَقَالَ يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَقَالَ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَ لَا نَصَبٌ إِلَى قَوْلِهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ وَقَالَ وَ مَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ وَقَالَ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ فَهَذَا ذِكْرُ دَرَجَاتِ الْإِيمَانِ وَ مَنَازِلِهِ عِنْدَ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ»

از این ذیل و آیاتی که حضرت اشاره می کنند روشن می شود که میدان سبقت معنای خاصی دارد. صحنه های اتفاق و مقاتله و مجاهده و... خواهد بود که عده ای در آن سابق بر دیگران هستند. صحنه هایی که همراه با ابتلائات و سختی هایی خواهد بود و به مقداری که کسی در این رنج همراهی با حضرات، مشارکت کند این درجات سبقت اوست. هرچند این بحث و آیات مربوطه جای کار جدی دارد ولی فعلاً در این روایت به همین بسنده می کنیم که بحث درجات ایمان به سبقت در میدان های مختلف توحید تعریف شده است. ولی این مراتب از نبوت و رسالت و امامت در طبقات ریشه در همین بحث ایمان و سبقت ایمانی آنها در عالم قبل و این عالم داشته است.

روایت ابراهیم بن عبدالحمید در عقلائیات انبیاء

اما در باب تفاضل انبیاء روایتی دیگری در محاسن مرحوم برقی نقل شده است که قابل توجه است. فرموده: «مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى الْيَقْطِينِيُّ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِيِّ عَنْ دُرُسْتٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا عَاقِلًا وَ بَعْضُ النَّبِيِّينَ أَرْجَحُ مِنْ بَعْضٍ وَ مَا اسْتَخْلَفَ دَاوُدُ سُلَيْمَانَ حَتَّى اخْتَبَرَ عَقْلَهُ وَ اسْتَخْلَفَ

دَاوُدُ سُلَيْمَانَ وَ هُوَ ابْنُ ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً وَ مَكَثَ فِي مُلْكِهِ أَرْبَعِينَ سَنَةً وَ مَلِكَ ذُو الْقَرْنَيْنِ وَ هُوَ ابْنُ اثْنَيْ عَشَرَ وَ مَكَثَ فِي مُلْكِهِ ثَلَاثِينَ سَنَةً»^۵

در این روایت حضرت فرمودند معیار در نبوت و درجات انبیاء عقل آنها بوده است. اینکه ابتدای روایت بحث عقل انبیاء مطرح شده و بعد از اختبار عقل جناب سلیمان حرف زده شده است اینطور ظاهر می شود که معیار رجحانی که در روایت بیان شده است همین عقل است. این روایت باید توضیح داده شود که این عقل چه موضوعی است که سبب رجحان و فضیلت انبیاء می شود؛ در واقع این روایت باید در کنار بحث روایات عقل و جهل معنا شود که عقل را قوای پرستش معرفی می کند و در مقابل جهل قرار می دهد که در مقابل دستور الهی استکبار کرد.

ولی نکته مهمی که باید دقت شود این است که این نکاتی که در باب تفاضل انبیاء ذکر می شود را باید در کنار هم دید. این امور متفرق نیست که بی ربط به هم باشد بلکه بعید نیست بگوییم یک نکته است که در بیانات مختلفی به آن مسئله پرداخته شده است. از یک طرف می گویند سبقت در عوالم قبل در عهد و میثاق نسبت به خدا و اهل بیت داشتند. از یک طرف می گویند در این عالم در صحنه های جهاد و ایمان و... سابق بودند. در یک روایت می گوید فضیلت آنها بخاطر درجات ایمان شان بود. در روایتی می گوید عقل آنها بیشتر بوده است. اینها را باید در کنار هم دید و به یک مسئله برگشت داده شود.^۶ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ...

^۵ - المحاسن، ج ۱، ص: ۱۹۳. سند این روایت از جهت عبیدالله بن عبدالله دهقان اشکال دارد زیرا توثیق نشده بلکه توسط نجاشی تضعیف شده است. البته صاحب کتاب بوده و محمد بن عیسی العبیدی کتاب او را نقل کرده است درحالیکه او فرد بسیار جلیلی است و اکتار او بعید نیست اماره توثیق باشد. مگر اینکه تضعیف نجاشی را کسی معارض قرار دهد. فتامل.

^۶ - در این روایت بحث استخبار جناب داود مطرح شده است ولی این نافی این معنی نیست که نبوت و رسالت امانت الهی است و کسی حق انتخاب از جانب خود نداشته است. یعنی ثبوتاً در نزد خدا معلوم است ولی در مقام اثبات انبیاء باید برای وصی خود مسیری طراحی می کردند که این فرد برای مردم مثلاً شناخته شود و صرف یک اخبار نبوده است. فتدبر.